

پایی گل فجالتی

نویسنده: لاریسا تئول • تصویرگر: سارا پالاسیوس • مترجم: فرشته عبدلی





پاپی فیلدز حشرات را دوست داشت.
حشرات هم با او دوست بودند.





پاپی بین گل‌های جنگلی نشسته بود
و باحوصله به تازه‌ترین آواز جیرجیرک‌ها گوش می‌کرد.

او آن‌قدر شیرین‌زبانی کرد تا خرخاکی مجبور شد از پوسته‌ی خودش
بیرون بیاید.

با اینکه پاپی قلقلکی بود، اما وقتی مورچه‌ها روی سروکله‌اش رژه
می‌رفتند، کاری به آن‌ها نداشت.

پاپی عنکبوت سیاه را دید که خیلی خوب تار می‌تنید.

